

بازپژوهی تحلیلی آرمان شهر مهدوی در آموزه‌های قرآن کریم و روایات

علی محمدی آشنانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

چکیده

بشر از آغاز پیدایش زندگی اجتماعی، تاکنون، همواره در آرزوی دستیابی به جامعه‌ای مطلوب، به طراحی آرمان شهرهای گوناگون، دست یازیده است. در برابر، خداوند متعال نیز آرمان شهر والای انسانی الهی را طراحی، تبیین و وعده داده است که بشریت، با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن جامعه برخاسته از تعالیم و حیانی را تجربه خواهد کرد. براساس آموزه‌های قرآن و روایات، این آرمان شهر، دارای ویژگی‌های ممتاز و بی‌بدیلی است که آن را نسبت به آرمان شهرهای دیگر، شاخص و برجسته می‌کند. یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی به بازخوانی آیات و روایات پرداخته، مدلل نموده است که آرمان شهر مهدوی، دارای ده ویژگی بی‌همانند: ۱. حتمیت تحقق آرمان شهر مهدوی؛ ۲. جهان گستردگی و فراگیر بودن؛ ۳. ولایت مداوم انسان کامل؛ ۴. عدالت و حق‌مداری گسترده؛ ۵. اتحاد و همبستگی توحیدمدار مردمان؛ ۶. شکل‌گیری ارتباطات و مناسبات صحیح انسانی؛ ۷. بنیادگذاری سبک زندگی مردم بر آموزه‌های دین الهی؛ ۸. آزادی فردی، اجتماعی و معنوی؛ ۹. امنیت گسترده و دادن پناهندگی به حقیقت‌پژوهان؛ ۱۰. آبادانی، رشد و استواری اعجاب‌برانگیز می‌باشد. برخی از این ویژگی‌ها گرچه در اسم، آرمانی مشترک، می‌نماید، ولی با دقت و ژرف‌نگری در کم و کیف آن، بی‌بدیل و ممتاز بودن آنها، آشکار می‌گردد.

واژگان کلیدی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آرمان شهر مهدوی، انسان کامل، عدالت، قرآن کریم و روایات.

مقدمه

بشر از آغاز پیدایی زندگی اجتماعی تاکنون، همواره در آرزوی دستیابی به جامعه‌ای مطلوب، کامل یا «بهشتی این جهانی» بوده که در آن هر چیز در جای خود قرار داشته و زندگی

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران، ایران (dr.mohammadi.quran@gmail.com).

در آن، همراه با آسایش و آرامش باشد و فلاح و رستگاری همه جانبه آدمی را فراهم سازد. به همین جهت در طول تاریخ، به طراحی جوامع آرمانی گوناگون، دست زده است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۵۲). خداوند متعال نیز به عنوان آفریدگار و پروردگار جهان هستی و جامعه بشری، به طراحی و معرفی جامعه آرمانی الهی پرداخته است؛ براساس طراحی الهی، بدون شک زندگی اجتماعی بشر، همواره در حال پیشرفت و تکامل یا فرود و افول بوده، تا در نهایت و غایت تاریخ، به جامعه‌ای منتهی می‌شود که از آن در قرآن، با عنوان حاکمیت شایستگان، صالحان و پارسیان و در روایات به «آرمان شهر مهدوی» یاد شده است.

با عنایت به آن که جوامع آرمانی گوناگونی، طراحی و در قرآن و روایات نیز، جامعه آرمانی مهدوی، توصیف شده است و در جوامع آرمانی الهی و بشری، نیز آرمان‌هایی همانند عدالت‌ورزی، آزادی، بهبود و رفاه هرچه بیشتر، آرمانی مشترک، می‌نماید، در این میان، پرسش اساسی آن است که ویژگی‌های بی‌بدیل و ممتازی که جامعه مهدوی را بر دیگر جوامع بشری، برتری می‌بخشد، کدام است؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با استناد به قرآن و روایات، ویژگی‌های بی‌بدیل آرمان شهر مهدوی را در ده عنوان، سامان بخشیده و دلایل آن را پیش رو نهاده است.

شناخت مفاهیم بنیادین

برای وضوح مباحث نخست به شناخت واژگانی و اصطلاحی جامعه، آرمانی و جامعه آرمانی پرداخته می‌شود:

۱. جامعه

در لغت، جرگه، اجتماع، مجتمع، حوزه، حلقه، هیئت، مردم یک کشور، یک شهر و یا ده یا گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف مخصوص تحت قواعد معین گرد هم آمده‌اند، و دیگ بزرگ (دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۱۵، ۸۸) نیز انجمن، اتحادیه، مجمع (بستانی، ۱۳۷۷: ش: ۷۴) گروهی از مرد و زن که به تحصیلات عالی می‌پردازند، محل اجتماع، دانشگاه (معلوف، ۱۳۸۳: ش: ۱، ۸۵)، همچنین به معنای تمام، کامل (معین، ۱۳۷۱: ۱۲۰۸) طوق، غل (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹-۲۰، ۲۴۲) اطلاق شده است. گفتنی است واژه «جامعه» معادل سوسییتی^۱ به

1. society

معنای اجتماع و جمع می‌باشد (طیبی، ۱۳۷۰: ۷۷-۷۸).

از جامعه در اصطلاح، تعاریف متعدد و مختلفی شده است؛ برخی آن را مترادف با «ثغور ملت‌ها و ممالک» (آبراهام و دیگران، ۱۳۶۷: ۳۶۱) و گروهی آن را بر دولت و حاکمیت، اطلاق کرده‌اند (کنت، ۴۵۶). به گفته ماکس وبر، جامعه انسانی، شبکه‌ای از برخورد نیروهای متضاد است که در سازمان اجتماعی و روابط میان افراد، متجلی می‌شود (طیبی، ۱۳۷۰: ۸۰). برابر تعریف شهید مطهری، جامعه، عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها، در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۹).

۲. آرمان

لغت‌شناسان واژه «آرمان» را به معنای آرزو و امید، حسرت، اندوه، تحسر (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ۴۴) رنج بردن، پشیمانی و افسوس، نیز به معنای عقیده و نظر مطلوب و کمال مطلوب، پندار دانسته‌اند (ابن خلف تبریزی، ۱۳۶۱: ۳۷). کلمه «آرمان» در زبان‌های فرانسه و انگلیسی، معادل واژه «ایدئال»^۱ عقیده و نظر مطلوب است (آراسته خو، ۱۳۷۰: ۶۱). در اصطلاح نیز آرمان، امری است که چیزی است که آدمی، طالب و خواهان آن است (همان: ۶۱-۶۳). به تعبیر «سیای»: «آرمان، چیزی نیست جز حرکت طبیعی فکر به سوی حیاتی که دارای هم‌آهنگی تام است» (جمیل صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۵۱). بر این اساس آرمان اجتماعی، در هر جامعه، یعنی تصویری از یک نظم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... که اکثریت مردم در تنظیم رفتار خویش آن را به عنوان مرجع می‌شناسند و در اندیشه آن مردم، چنین تصویری از یک نظم عالی هم‌چون داده‌ای عادی تجلی نمی‌کند، بلکه به عنوان گونه‌ای نمونه و خاص در ذهن متبادر می‌شود. رسمیت و رواج ارزش‌های غالب، شکل و صورت سلسله مراتب ارزش‌های پذیرفته‌شده آرمانی را که افراد از جامعه در ذهن دارند، تشکیل می‌دهند (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۶۶).

۳. جامعه آرمانی

برخی جامعه آرمانی که در زبان لاتین «اتوپیا یا یوتپیا»^۲ نامیده شده، را «عبارت از هرگونه نظم اجتماعی آرمانی» دانسته‌اند (آشوری، ۲۸). در کتاب *اصطلاح علوم اجتماعی*، جامعه آرمانی،

چنین تعریف شده است:

جامعه آرمانی، چنان جامعه‌ای است که در آن اصل عقلانی مبتنی بر همبستگی، بر شرایط طبیعی در تکوین سازمان اجتماعی، مسلط شود. در آن، قوانین برای تحقق مطلوبی والا و مشترک و بدون توجه به افرادی خاص پدید می‌آیند و این قوانین، رفتار ما را در اعمال عدالت و با در نظر گرفتن منافع دیگران، تنظیم و تنسيق می‌کنند (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۸۹).

به نظر می‌رسد تعریف پیش گفته، می‌تواند با توجه به ویژگی‌های جامعه آرمانی مهدوی، به کار گرفته شود.

بازشناسی آرمان‌شهری بدیل مهدوی

بازخوانی آیات و روایات، نشانگر آن است که جامعه آرمانی مهدوی که براساس اراده الهی، عالی‌ترین، والاترین و نیکوترین جامعه انسانی، طراحی شده است، ولی از خصایص و ویژگی‌هایی بی‌نظیر، منحصر به فرد، بی‌همتا و برتری بخشی برخوردار است. اگر چه در جوامع آرمانی بشری، برخی ویژگی‌ها هم‌چون عدالت، رفاه و... به ظاهر، با صفات ممتاز جامعه مهدوی همانند می‌نماید، ولی دقت در آیات و روایات، تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد. در این بخش، مهم‌ترین ویژگی‌های آن جامعه الهی، ارائه شده است:

۱. حتمیت تحقق جامعه آرمانی مهدوی

جوامع آرمانی بشری به ویژه آرمان‌شهرهای دوران اخیر، نه تنها از سوی اندیشمندان دیگر، بلکه از سوی طراحان آن جوامع، به صراحت یا در لفافه، خیال‌پردازانه، رؤیایی و غیرقابل تحقق معرفی شده‌اند، به همین جهت حتی برای اثبات امکان تحقق آن جوامع، نیز تلاشی صورت نپذیرفته است. از این رو، برخی از مخالفان، تدوین جوامع آرمانی را، لغو و بیهوده معرفی کرده و عده‌ای پافرازرگ‌گذاشته، آن را زیان‌بخش شناسانده‌اند، بدین بیان که این قبیل طرح‌های ناکجاآباد، گذشته از این که هرگز بدان گونه که به تصور آمده‌اند، به حقیقت نخواهند پیوست، بلکه از واقع‌بینی انسان‌هایی که به آنها باور دارند می‌کاهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۱۲؛ روهیون، ۱۳۸۵: ۶؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۲۵۰). درست نقطه مقابل آرمان‌شهرهای بشری، جامعه آرمانی مهدوی، از سوی طراح آن، خداوند متعال، نه تنها ممکن و عملی، بلکه ضروری و حتمی، معرفی و تحقق آن، وعده داده شده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي

ازتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبْدَلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) «و خداوند انجام آن را خود، بر عهده گرفته است؛ زیرا خداوند متعال، هدف نزول کتاب‌های آسمانی را جهانی کردن دین خود، معرفی فرمود» (صف: ۹؛ فتح: ۲۸؛ توبه: ۳۳)، و این گسترش را بر عهده آدمی ننهاد، چرا که بسیاری از آدمیان یا دچار ضعف درونی هستند، یا دارای مشکل بیرونی و گاه هم‌چون پیروان انبیای پیشین، از انجام مسئولیت‌های خود، سر باز زده، به پیامبران خود می‌گویند:

﴿قَالُوا يٰمُوسَى إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ (مائده: ۲۴)؛

[بنی اسرائیل] گفتند: «ای موسی! تا فرعونیان، در آن جا هستند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد، تو و پروردگارت بروید و [با آنان] پیکار کنید، ما همین جا نشسته‌ایم.

بر این اساس، خداوند به وجود آوردن جامعه آرمانی نهایی را در سوره قصص: آیات ۵-۶ به اراده خود: ﴿و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ و در آیه ۵۵ سوره نور، به فعل خود، نسبت می‌دهد تا کسی در حتمی بودن تحقق آن تردید نکند، زیرا اراده خداوند بدون تردید تحقق می‌یابد:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲)؛

امر خداوند این است که می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود.

دقت در آیات پیش گفته، این نکته را روشن می‌سازد که برپایی جامعه آرمانی نهایی قرآن را، خداوند خود به عهده گرفته است و آن را به صورت عام، گسترده و وعده جهانی، بیان فرموده است و تحقق آن را، اراده و خواست لا یتخلف الیهی شناسانده است (قصص: ۵؛ نور: ۵۵).

۲. جهان‌گستردگی و فراگیر بودن

جوامع آرمانی بشری، جوامعی هستند که در مکانی و زمانی خاص و محدود، با جمعیتی مخصوص یا برای نژادی ویژه، طراحی و ترسیم شده‌اند؛ اما جامعه آرمانی مهدوی، جامعه‌ای جهان‌گستر و فراگیر، مشتمل بر همه سرزمین‌ها، اقوام و با زمانی گسترده، توصیف شده است. به تعبیر شهید مطهری:

در آینده، همه جوامع بشری، به شکل واحدی در می‌آیند و جامعه‌ها، تمدن‌ها و

فرهنگ‌های متعدد، به سوی یگانه شدن سیر می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۲، ۳۵۹).

راز این جهان‌گستری، آن است که دین و روش زندگی انسانی، نزد خداوند متعال، فقط همان اسلام است. (آل عمران: ۱۹) و پیامبر اسلام ﷺ، به سوی همه مردم، برانگیخته شده است؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا: ۲۸) «و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم». همچنین: «وَأَرْسَلْنَاكَ لِّلنَّاسِ رَشُودًا» (نساء: ۷۹) «و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم» نیز پیامبر به عنوان رحمت برای همه جهانیان، فرستاده شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم». افزون بر آن، برابر وعده الهی، توحید که اساس دین الهی است، در نسل‌های بشر، برای همیشه، پایدار خواهد شد: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (زخرف: ۲۸) «او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسل‌های بعد از خود، قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند!» به علاوه، آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن، بر همه کتاب‌های آسمانی، هیمنه یافته تا براساس آن، حکم الهی، فراگیر شود: «وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحُكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ» (مائده: ۴۸) «و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن!» و خداوند وعده داده است که حقیقت و حقانیت قرآن، در آینده بر همگان، روشن خواهد شد: «وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (ص: ۸۸) «و با عنایت به حدیث شریف نبوی «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يَغْلَى عَلَيْهِ وَ نحن نرثوهم» (نوری طبرسی، ۱۴۰۷: ج ۱۷، ۱۴۲)، در نهایت، دین اسلام، جانشین همه ادیان پیشین خواهد گردید. بدین‌سان، گستره جامعه آرمانی مهدوی، همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد و آرمان‌شهر مهدوی، جهان وطنی خواهد شد؛ زیرا جهان به سوی تشکیل جامعه‌ای واحد به نام «امت اسلامی» ره می‌برد: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) «این همان امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!» نیز: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون: ۵۲) «و این امت شما امت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید!» بدین‌سان، مرزهای جامعه آرمانی مهدوی، فکری است، نه جغرافیایی و نام شهروندان آن، یعنی «مسلمانان» از قبل توسط حضرت ابراهیم (ع)، انتخاب شده است: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ» (حج: ۷۸) «از آئین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتاب‌های پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید» بدین رو این جامعه، مرزهای جغرافیایی و سیاسی را در نور دیده و تنها دارای مرزهای عقیدتی است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۲۱۳). بدین‌سان «هر فردی که

تسلیم خداوند متعال شده و به اسلام معتقد باشد، جزئی از جامعه بزرگ آرمان‌شهر مهدوی، محسوب شده و نژاد و زبان و اقامتگاه و سابقه تاریخی وی و خاندانش، به هیچ وجه در این زمینه، مؤثر نیست» (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۲۴). مقایسه‌ها نشانگر آن است که هیچ جامعه آرمانی بشری، چنین جهان‌گستری فراگیر را نداشته و نخواهد داشت.

۳. ولایت انسان کامل

در جوامع آرمانی نهایی بشری، تلاش می‌شود که بهترین فرد، هم‌چون فیلسوفان و حکیمان، افراد عادل و کارآمد، بر مسند قدرت تکیه کنند، ولی ویژگی بی‌بدیل آرمان‌شهر مهدوی آن است که ولایت و زمامداری جامعه آرمانی را، پیشوایی بردوش می‌گیرد که تسلیم محض حضرت حق بوده و از سوی خداوند، نصب شده و در همه شئون و نهادها، ولایت، احکام و فرمان‌های خداوند متعال را بر جامعه انسانی، اعمال و اجرا می‌کند. این انسان کامل که خاتم اولیای الهی است، در روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. به گفته مفسران در ذیل آیه شریفه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء: ۵۴) «بلکه به مردم برای آن چه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم» خداوند متعال، از بخشیدن حاکمیت الهی خود، به آل ابراهیم یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش سخن گفته است که برابر روایات، بر آرمان‌شهر مهدوی، تطبیق یافته است (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۳، ۹۵).

مبنا و پایه اساسی ضرورت ولایت انسان کامل و علت آن که حاکمیت باید در دست انسان کامل برگزیده و منصوب خداوند باشد، آن است که اساساً قرآن کریم، همه نظام هستی را برآیند آفرینش خداوند (یونس: ۳؛ انبیاء: ۳۳؛ عنکبوت: ۶۱ و...) و پرورش حضرت حق (فاتحه: ۲؛ مائده: ۲۸، انعام: ۴۵ و...) می‌شناساند و خداوند را مالک و فرمانروای همه چیز و همه کس، معرفی می‌کند (بقره: ۱۰۷ و ۲۸۴؛ آل عمران: ۱۸۹؛ مائده: ۱۸ و...). بر این اساس، تنها مبدأ ولایت و حاکمیت (بقره: ۱۰۷؛ رعد: ۱۱؛ نساء: ۴۵؛ انعام: ۱۴) بر انسان‌ها فقط خداوند است و بس: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» «فرمان جز برای خدا نیست» (انعام: ۵۷؛ یوسف: ۴۰ و ۶۷).

به گفته برخی مفسران، واژه «حکم» در آیه فوق، معنای وسیعی دارد که هم حکومت را، شامل می‌شود و هم داوری و قضاوت را و در واقع نشانگر آن است که توحید خالقیت، ملازم

توحید حاکمیت، توحید حکومت و داوری نیز، می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۱۰، ۵۲) بدینسان تنها خداوند متعال که آفریدگار و پروردگار جهان و مالک و فرمانروای هستی است، حاکم و فرمانروای جهان انسانی را بر می‌گزیند و نصب می‌کند.

ذکر این واقعیت، ضروری است که ویژگی پیش گفته آرمان شهر مهدوی، هیچ تبدیل و همانندی، در جوامع آرمانی بشری ندارد؛ بلکه با اندیشه‌هایی همانند تئوکراسی مغرب زمین^۱ که به معنای حاکمیت دینی یا دین‌سالاری است، تفاوتی بنیادین دارد؛ به گفته استاد مصباح یزدی، «تفاوت اندیشه حکومت الهی قرآن، با اندیشه حکومت تئوکراسی غربی که بر حاکمیت طبقه خاص دینی، مثل ارباب کلیسا، تأکید می‌ورزد، تفاوتی از زمین تا آسمان است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۴). مودودی، راز این تفاوت بنیادین را چنین تبیین کرده است:

تئوکراسی غربی بیش از آن که یک نظام الهی باشد، یک نظام طاغوتی است؛ زیرا در حکومت الهی در اسلام، یک طبقه خاص مذهبی فرمان نمی‌راند، بلکه تمام جامعه مسلمان از کوچک و بزرگ در اداره آن سهیمند (مودودی، ۱۳۵۷: ۲۸).

چنان‌که آرمان شهر مهدوی، از نوع دموکراسی نیز نیست. به همین جهت، مشروعیت آرمان شهر قرآن، مشروعیت الهی است (قاضی زاده، ۱۳۹۴: ۹۲)، نه آن که براساس مقبولیت و آرای مردمی، شکل گرفته باشد؛ زیرا براساس اندیشه قرآنی، حکومت نه به جعل مردم است، نه نوعی وکالت از آنان، بر این اساس، تنها حکومت برگزیدگان خداوند و منصوبان آنها، مشروعیت دارد. بدین سان در جامعه آرمانی مهدوی، انسان کامل برگزیده و منصوب الهی، در آخرین فراز تاریخ، بر کرسی حاکمیت، تکیه خواهد زد. به فرموده پیامبر ﷺ:

وَلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَجَوْرًا (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۳۴۱)؛

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند، خداوند تبارک و تعالی همان روز را آن قدر طولانی می‌کند تا این که مردی از فرزندان من، قیام کرده و زمین را هم‌چنان که پر از ظلم و ستم شده، سرشار از عدالت و دادگری می‌کند.

به علاوه، یکی از امتیازات بی‌همانند آرمان شهر مهدوی، ولایت انسان کامل، در تمام دوران این جامعه آرمانی، است؛ زیرا ولایت پیامبران و اولیای الهی در برخی از دوران‌های پیشین تاریخ، تداوم نیافت. همانند ولایت حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام، رسول گرامی

1. Theocracy

اسلام ﷺ، امام علی (علیه السلام) که فقط در پاره‌ای کوتاه از تاریخ بشر، به وقوع پیوست، ولی تداوم نیافت. اما ولایت انسان کامل در دوره پایانی، از چنان پایایی و پویایی برخوردار است که از زمان شکل‌گیری تا به وقوع پیوستن رستاخیز آدمیان، تداوم می‌یابد.

۴. عدالت و حق‌مداری گسترده

اگرچه یکی از ویژگی‌های عام جوامع آرمانی، عدالت‌محوری و حق‌مداری مطرح شده است، ولی این ویژگی به دلیل گستردگی آن در همه امور آرمان شهر مهدوی و به دلیل تبیین الهی حق و عدالت و صحت شاخصه‌ها و تشخیص معصومانه مصادیق آن از سوی امام معصوم (علیه السلام)، یکی از ویژگی‌های بی‌بدیل آرمان شهر مهدوی است. راز برخورداری از این ویژگی آن است که در آموزه‌های وحیانی، خداوند متعال، نظام هستی را براساس حق آفریده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (انعام: ۷۳) «و اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید» و کتاب‌های آسمانی را براساس حق، فرو فرستاده است (بقره: ۲۱۳). به همین رو، جهان هستی، همواره به سوی تثبیت حق و زوال باطل، گام برمی‌دارد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) «و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابود شدنی است». مفسران، برابر روایات، این آیه را بر جامعه آرمانی مهدوی، منطبق ساخته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ۲۶۲) هم‌چنین قرآن کریم، فرجام تاریخ انسان و جهان را از آن حاکمیت اهل تقوی، برشمرده است (هود: ۴۹؛ طه: ۱۳۲) که تنها به اقامه حق و عدالت می‌پردازند (مائده: ۸). افزون بر آن، چنان‌که گفته آمد، هدف برانگیختن همه پیامبران الهی که اقامه عدالت توسط مردمان است (حدید: ۲۵)، تنها در آرمان شهر مهدوی، به صورت کامل، تحقق می‌یابد. به همین جهت، خداوند متعال، نخستین رئیس امت اسلامی را مأمور ساخت تا عدالت را جاری سازد: «وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (شوری: ۱۵) «و به عدالت، حکم کند» (مائده: ۴۲) و همه آحاد جامعه اسلامی را به عدالت همه‌جانبه (اعراف: ۲۹؛ نحل: ۹۰) و فراگیر (مائده: ۸)، عدالت در گفتار (انعام: ۱۵۲) و عدالت‌ورزی به هنگام وزن و پیمان کردن (انعام: ۱۵۲؛ الرحمن: ۹) و عدالت در داوری (نساء: ۵۸) و عدالت‌ورزی در شهادت دادن حتی اگر به زیان خودشان باشد «وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (نساء: ۱۳۵) و اقامه عدالت نسبت به دشمنان (مائده: ۸) و فرمان دادن به عدالت، (نحل: ۷۶)، فرا خوانده است و برقرار ساختن صلح بین گروه‌های متخاصم را براساس عدالت، از آنها خواسته است: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ» (حجرات: ۹) «و

بین آنها، براساس عدالت، صلح برقرار سازید». براساس روایات، در جامعه نهایی مهدوی، همه این آموزه‌ها و فراخوان‌های پیش‌گفته خداوند، تحقق می‌یابد و به اجرا در می‌آید. به همین رو، در روایت نبوی، یکی از بارزترین ویژگی و امتیاز آرمان شهر مهدوی، عدالت‌گستری گسترده و همه‌جانبه، بیان شده است:

وَاللّٰهُ يَا أَخَا بَنِي هِلَالٍ، مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجُورًا (هلالی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۲۰)؛

به خداوند سوگند! مهدی این امت، کسی است که زمین را پراز عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پراز ظلم و ستم شده باشد.

۵. شکل‌گیری ارتباطات و مناسبات صحیح انسانی

پژوهش‌ها نشانگر آن است که هیچ یک از جوامع بشری را، نمی‌توان به دور از اختلاف، تضاد، مشاجره، تنازع، درگیری و خشونت، یافت، ولی جامعه آرمانی مهدوی هرچه به جلو می‌رود، در آن مناسبات انسانی، تعالی بیشتری می‌یابد و مناسبات صحیح‌تری در آن شکل می‌گیرد. راز شکل‌گیری این مناسبات صحیح، آن است که انسان، موجودی اجتماعی است که به مناسبات صحیح و ارتباطات مودت آمیز، نیاز دارد و بدون آن، از پای در می‌آید (اریک برن، ۱۳۹۵: ۵). به همین جهت، خداوند متعال، ما را به برقراری ارتباط با یکدیگر، فراخوانده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و با هم رابطه داشته باشید و از خدا پروا نمائید امید است که رستگار شوید.

اگرچه برخی از مفسران، مقصود از «رَابِطُوا» در این آیه را مرزداری تلقی کرده‌اند، ولی علامه طباطبایی، معنای آن را، فرمان به برقراری ارتباطات انسانی، دانسته است (طباطبائی، ۱۳۹۶: ج ۴، ۱۴۳). خداوند متعال، نه تنها افراد بشر را به برقراری ارتباط فراخوانده است، بلکه برای ایجاد ارتباطی مثبت و دلپذیر، مودت و رحمت را میان انسان‌ها، قرار داده است: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱) «در میان شما، مودت و رحمت قرار داد». و از امت‌های پیشین، پیمان گرفت تا به والدین و بستگان خود، احسان کنند و با مردمان، به نیکی سخن بگویند: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره: ۸۳) و نسبت به یتیمان، نیازمندان، در راه ماندگان و درخواست‌کنندگان، به انفاق بپردازند (بقره: ۱۷۷ و

(۲۱۵) و نیکی به همسایگان دور و نزدیک را، برنامه خود قرار دهند (نساء: ۳۶). خداوند از امت اسلامی، برقرار ساختن روابطی نیک و زیبا را در همه امور ذیل، مطالبه فرموده است:

۱. در گفت‌وگو:

﴿وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (اسراء: ۵۳)؛

و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند.

۲. در مجادله و مباحثه:

﴿وَجِدْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵)؛

و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز.

حتی با غیر هم‌کیشان خود، مجادله‌ای نیک و زیبا داشته باش:

﴿وَلَا تَجِدُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (عنکبوت: ۴۶)؛

و با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه مجادله و گفت‌وگو مکنید.

۳. در عمل و رفتار:

﴿... لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (هود: ۷)؛

تا شما را بیازماید که کدام یک از نظر اعمال نیکوکارتر هستید؟

چنان‌که در آیه دیگر، نیز فرموده است:

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (كهف: ۷)؛

مسلماً ما آنچه را روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم که کدامشان از جهت عمل نیکوترند.

۴. در تعامل اقتصادی:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴)؛

و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید.

این آیه گرچه در مورد امور اقتصادی یتیمان است، ولی شامل دیگر معاملات اقتصادی نیز هست.

۵. در واکنش در برابر بدرفتاری‌های دیگران:

﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ﴾ (مؤمنون: ۹۶)؛

بدی را، با بهترین شیوه، دفع کن.

چنان‌که در آیه دیگر، آثار نیکوی آن را نیز تبیین می‌نماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴)؛

نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است.

بدین‌سان خداوند متعال، در تمام زمینه‌ها، بهترین و زیباترین مناسبات را از مردم، طلب کرده است.

براساس همین آموزه‌های وحیانی است که در آرمان‌شهر مهدوی، عالی‌ترین نوع تعامل و ارتباطات انسانی، شکل می‌گیرد. امام علی (علیه السلام) در وصف جامعه‌آرمانی مهدوی چنین می‌فرماید:

وقد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها ولا خرجت الارض نباتها ولذهبت الشحناء من قلوب العباد واصطلحت السباع والبهائم (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۱۰۴)؛
و آن‌گاه که قائم ما قیام کند، آسمان، قطرات باران خود را فرو فرستد و زمین، گیاهان خود را بیرون دهد و کینه‌ها از سینه‌ها بیرون رود و ددان و چهارپایان نیز در صلح و صفا باشند.
افزون بر آن، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

... حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمُرَايَلَةُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ (همان: ج ۵۲، ۳۲۲)؛

آن‌گاه که حضرت قائم بیاید، چنان صمیمیت و اعتماد کامل، میان شهروندان، شکل می‌گیرد که هر فردی نزد جیب برادر دینی خود آمده و به اندازه نیازش از آن برمی‌دارد و صاحب پول، از کار او جلوگیری نمی‌کند.

به تعبیر استاد مصباح یزدی:

در جامعه آرمانی هر فرد همه ارتباطاتش با سایر افراد را براساس دو اصل « قسط و عدالت » و احسان، مبتنی می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۱۸).

بر این اساس، چنان‌که در روایت نخستین نیز بیان گردید، در جامعه آرمانی مهدوی، نه تنها مناسبات انسانی؛ بلکه تعامل حیوانات و جهان طبیعت نیز شکل والاتری، پیدا می‌کند. به فرموده استاد مطهری:

در دولت مهدوی عَلَيْهِ السَّلَام، طبیعت نیز با انسان رفتار مهرآمیزی خواهد داشت؛ چنان چه در حدیث بیان می‌شود: «پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَقْلَادَ كَيْدِهَا؛ زمین به برکت وجود او پاره‌های جگر خود را آشکار می‌سازد» (مطهری، ۱۳۸۳: ج ۹، ۳۸۹-۳۹۰؛ مطهری، ۱۳۸۲: ج ۹، ۱۷-۲۵).

شهید مطهری چه زیبا، ابعاد این مناسبات مودت‌آمیز در آرمان شهر مهدوی را ترسیم نموده است:

در عصر ظهور، سه آشتی به وجود می‌آید: آشتی طبیعت با انسان، آشتی انسان با خود و آشتی انسان با انسان (مطهری، ۱۳۸۳: ج ۹، ۳۷۹).

۶. اتحاد و همبستگی توحیدمدار همه مردمان جهان

برابر آیات قرآن کریم و روایات، یکی از ویژگی‌های بارز و عام جامعه آرمانی نهایی، اتحاد مردمان در پرتو توحید و پرستش خداوند، است؛ زیرا یکی از آموزه‌های مؤکد قرآن، در خصوص نظام اجتماعی، اتحاد و پرهیز از اختلاف و تفرقه‌انگیزی است:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. قرآن کریم، نه تنها تفرقه را برای جامعه آرمانی مطلوب خود نمی‌پسندد، بلکه افراد جامعه اسلامی را از همانندی با تفرقه و تشتت‌گرایان نیز برحذر داشته است و آنان را بیم داده است که تفرقه‌گرایی پس از روشن شدن حقیقت، عامل دچار شدن به عذاب بزرگ است:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۰۵)؛

و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.

مبنای بی‌همانند این همبستگی و اتحاد، ایمان همگان، به خداوند است که امت واحده را شکل داده است:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء: ۹۲؛ مؤمنون: ۵۲)؛

این طریقه شما امت و روشی یکتا است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید.

برخی از اندیشمندان، همچون استاد مطهری، تنها راه وحدت با دیگران را، ایمان به خدا،

معرفی نموده، می‌گویند:

این «من» آن وقت واقعاً و حقیقتاً تبدیل به «ما» می‌شود که قبلاً تبدیل به «او» شده باشد؛ یعنی همان نظریه عرفا. «من» بدون آن که قبلاً تبدیل به «او» شده باشد، تبدیل به «ما» نمی‌شود. راه «ما» شدن «من»‌ها این است که اول «من»‌ها «او» بشوند، یعنی ایمان به خدا پیدا شود (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۸۲).

افزون بر توحید که ستون اصلی خیمه اتحاد آحاد جامعه بشری است، اجرای عدالت و شکل‌گیری محبت بین افراد جامعه، آرمان شهر مهدوی را، از نزاع و درگیری و گسست اجتماعی، محفوظ خواهد داشت. به تعبیر شهید مطهری:

حسن روابط اجتماعی، به دو چیز است: عدالت و محبت؛ عدالت یعنی قناعت به حقوق و حدود خود و احترام به حقوق دیگران و محبت؛ یعنی یکی شدن روحی با دیگران، درد و رنج او را درد و رنج خود احساس کردن و خوشی او را لذت و خوشی خود احساس کردن. به عبارت دیگر، زندگی اجتماعی دو رکن دارد: قانون و عواطف؛ دین، هم پشتوانه حقوق و قانون است و هم برانگیزاننده عواطف و احساسات انسانی (مطهری، ۱۳۶۹: ج ۴، ۱۲۳).

بر این اساس، در جامعه ایمانی که دارای قانون رهبری الهی و روحی به هم پیوسته و زنده است، در ابتداء، از پدید آمدن اختلاف و درگیری، پیش‌گیری می‌شود. یعنی افراد جامعه نهایی، همان‌طوری می‌شوند که امام صادق (ع) توصیه فرمود:

خودت را همواره به جای دیگران بگذار، برای آنان همان را بپسند که برای خود می‌پسندی و همان را کراهت داشته باش که برای خویشان کراهت داری (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۲۸-۲۳۰).

افزون بر عوامل پیش گفته، آموختن آموزه‌های وحیانی، مردم را به سوی صلح، آرامش و همگرایی در زیر پرچم اطاعت از انسان کامل، سوق می‌دهد. بدین سان است که قرآن کریم، برای وحدت و انسجام یافتن امت اسلامی، اطاعت از خداوند و رهبری الهی، دوری گزیدن از منازعات، استواری و شکیبایی در این پیروی را، پیش رو می‌نهد:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال: ۴۶)؛

و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه، ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است.

به دیگر سخن، ساز و کار جامعه نهایی به گونه‌ای طراحی شده، سامان یافته و مدیریت می‌شوند و مردمان به گونه‌ای باورمند شده و آموزش دیده و تربیت می‌شوند که در جامعه‌ای زنده و به هم پیوسته، زندگی می‌کنند و اساساً زمینه‌های نزاع و درگیری، کاهش یافته و مردمان آن، با تعلیم و تربیت، به محبت، مودت و رحمت با یکدیگر، خو گرفته‌اند. به تعبیر استاد مطهری «زنده بودن اجتماع به این است که در افراد آن اجتماع، روح، حس و عاطفه اجتماعی وجود داشته باشد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۲۸-۲۳۰) که آرمان شهر جهان گستر مهدوی، چون واجد آن روح معنوی - عاطفی است، از وحدت و اتحاد بی‌نظیری، برخوردار است.

۷. بنیادگذاری سبک زندگی بر آموزه‌های دین الهی

در جامعه آرمانی، بینش و نگرش، جهان بینی و ایدئولوژی، تفکر و اعتقاد، اخلاق و مفاهیم ارزشی، حقوق و فلسفه آن، قوانین، آداب و تشریفات اجتماعی، همه و همه از وحی، اقتباس و از متون اصیل وحیانی، استخراج می‌شود و مبنای زندگی فردی و اجتماعی، قرار می‌گیرد. به همین رو، در آرمان شهر مهدوی، گستره دین‌مداری، چنان همه امور جامعه آرمانی را فرا گرفته است که گویی در امور گوناگون زندگی اجتماعی و فردی، جز خواست و اراده تشریعی خداوند، اساس دیگری وجود ندارد. بر این اساس، قرآن کریم، تمسک به کتاب آسمانی (اعراف: ۱۷۰) و پیروی از آن را، موجب برخورداری از رحمت الهی (انعام: ۱۵۵) و نجات از عذاب معرفی کرده (زمر: ۵۵) و آن را، تنها راه دست یابی به سعادت شناسانده است (نور: ۵۱-۵۲). چنان که تجاوز از حدود الهی را ظلم بر شمرده (بقره: ۲۲۹) و آن را موجب فرو افتادن در آتش دانسته است (نساء: ۱۴). در قرآن کریم نیز نخستین رسالت مؤمنان، در صورت تشکیل جامعه آرمانی، اقامه نماز، سامان دهی پرداخت زکات و راهنمایی دیگران با امر به معروف و نهی از منکر، تعیین شده است:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛

(خدایاوران)، آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند و عاقبت کارها به دست خداست.

بر این اساس است که در جامعه آرمانی نهایی، کنار نهادن همه مظاهر شرک و عبادت

جمعی خالصانه، به عنوان یک ویژگی شاخص، مورد توجه واقع شده است:

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور: ۵۵)؛

مرا می پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند.

بدین ترتیب به گفته استاد مصباح یزدی:

اهتمام به عبادت و عبودیت خدای متعال و تقویت و تحکیم با خداوند و توجه به نیارمندی‌های دیگران با پرداخت زکات و نظارت و مراقبت مؤکد برای جلوگیری از کجروی در عقیده و اخلاق و عمل، از ویژگی‌های اساسی و اصلی جامعه آرمانی اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۲۲).

در نتیجه، ویژگی شهروندان جامعه آرمانی مهدوی، چنین می‌شود:

جامعه آرمانی، مجموعه‌ای از افراد آگاه، مومن، متعبد، متقی و عادل می‌شود که مصادیق ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (نور: ۵۵) هستند؛ یعنی هم به تعالیم احکام اسلامی ایمان آورده‌اند و هم نظام ارزشی و رفتاری این دین مقدس را چه در زمینه اخلاق و چه در زمینه حقوق، عملاً به کار بسته‌اند (همان: ۴۲۱).

۸. آزادی فردی، اجتماعی و معنوی

آرمان شهر مهدوی، نه تنها آزادی‌های فردی و اجتماعی را پاس می‌دارد؛ بلکه زمینه آزادی معنوی افراد را فراهم می‌آورد. این آزادی، در حقیقت، پاسداشت همان اختیار تکوینی و حق انتخاب طبیعی است که خداوند متعال، به هر انسانی بخشیده است (انسان: ۳). به گفته استاد مطهری:

از نظر اسلام، اعتقاد و ایمان به خدا، مساوی است با اینکه انسان آزاد و مختار باشد. آزادی به معنای واقعی، گوهر انسان است. به همین جهت است که توحید نظری و اعتقاد به قدرت و علم الهی، هم چنین توحید عملی، با آزادی انسان، منافاتی ندارد. قرآن کریم، خدا را بسیار بزرگ و اراده و مشیتش را عام معرفی می‌کند، ولی از آزادی نیز سخت دفاع می‌کند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (دهر: ۳) «راه به او نشان دادیم و او خود، مختار است که شکرگزار باشد یا کافر نعمت» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

بدین رو، قرآن کریم، یکی از مأموریت‌های اساسی پیامبر گرامی اسلام ﷺ را آزادی بخشی و رهاسازی و گشودن غل و زنجیرهای دست و پاگیر مردمان، معرفی فرموده است:

﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾ (اعراف: ۱۵۷)؛

و از دوش آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است، برمی‌دارد.

براساس این نگرش است که نخستین رئیس جامعه آرمانی، یعنی پیامبر ﷺ و بدون تردید، پس از وی، جانشینانش، هرگز آزادی‌های دیگران را محدود نساخته، خود را وکیل (انعام: ۶۶)، نگهبان و حافظ (نساء: ۸۰؛ شوری: ۴۸) و اجبارکننده مردم (غاشیه: ۲۲؛ یونس: ۹۹) تلقی نمی‌کنند (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۰). بدین سان هیچ یک از رهبران الهی، نه تنها خود، آزادی دیگران را نقض نمی‌کنند و اجبارکننده نیستند، بلکه با جباران زمانه خود به ستیز برخاسته، مردمان را از یوغ بندگی فرعون‌ها، آزاد می‌سازند:

﴿وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَىٰ أَنْ عَبَّدَتْ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (شعراء: ۲۲)؛

و آیا این که فرزندان اسرائیل را بنده خود ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟

به همین جهت می‌بینیم که همه انبیای الهی در طول تاریخ، با مظاهر استبداد، به مبارزه برخاسته‌اند و قرآن کریم، برخی از آن مبارزات طاقت فرسا را ذکر نموده است. یادکرد درگیری پیامبران در قرآن، نشانگر نقش اساسی آنان در مبارزه با استبداد و اختناق است (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۸). قرآن کریم، این نوع آزادی بخشی انبیاء را نعمت الهی دانسته، یادکرد آن را به مؤمنان توصیه می‌کند (ابراهیم: ۶؛ مائده: ۲؛ انعام: ۱۰۴). مولوی (دفتر ششم، بخش ۱۲۶) نیز در این مورد، چه زیبا سروده است:

چون به آزادی، نبوت هادی است

مؤمنان را ز انبیاء آزادی است

ای گروه مؤمنان! شادی کنید

همچو سرو و سوسن، آزادی کنید

کیست مولا؟ آن که آزادت کند

بند رقیبت ز پایت وا کند

زین سبب پیغمبر با اجتهاد

۲۳ نام خود وان علی، مولا نهاد

در روایات مربوط به آرمان شهر مهدوی، برخورداری مردم از آزادی دینی، چنین گزارش شده

است:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بین اهل تورات با تورات و بین پیروان انجیل، براساس انجیل و

بین معتقدان به زبور برابر زبور و بین مسلمانان، طبق قرآن حکم می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۵۱).

از این‌گونه احادیث، می‌توان چنین استنباط کرد که در جامعه آرمانی نهایی نیز آزادی مذهب وجود خواهد داشت، اما براساس آیات و روایاتی که به گرویدن همه جهانیان به اسلام، اشاره کرده است، می‌توان فهمید که تعدد مذهب، در آغاز تشکیل جامعه نهایی است، ولی به تدریج، پیروان ادیان و مذاهب دیگر، با آگاهی یافتن از حقایق، به اسلام خواهند گروید و در نهایت، امت واحد اسلامی تشکیل می‌شود که همگی با اختیار و آزادی کامل و پس از آگاهی از برتری اسلام بر همه ادیان، مسلمان خواهند شد.

بدین‌سان امتیاز ویژه این آرمان‌شهر، آن است که افزون بر آزادی فردی و اجتماعی، مردم جامعه آرمانی مهدوی، آزادی معنوی را در درون جان خویش و در ژرفای قلب خود، تجربه می‌کنند و بدون شک، رهایی انسان حتی از ساحت‌های غریزی و مادی خویش، تجربه‌ای لذت‌بخش و بهجت‌آفرین است (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۸) که با هدایت‌های خاص و راهبری‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، انسان‌های قابل را به اوج عرفان و معنویت الهی، رهنمون می‌شود.

۹. امنیت گسترده و فراهم آوردن شرایط حقیقت‌پژوهی

امنیت، یکی از ویژگی‌های آرمان‌شهرها، برشمرده می‌شود، ولی در بسیاری، راه تأمین آن را بنا کردن آن در جزیره‌ای دور افتاده یا حصار کشیدن به دور جامعه آرمانی، تصور کرده‌اند (توماس مور، ۲۱)، ولی در آرمان‌شهر مهدوی، امنیت براساس باورمندی، تعلیم و تربیت اخلاقی، شکل می‌گیرد. براساس آیات قرآن، امنیت آرمان‌شهر مهدوی، چنان گسترده و همه‌جانبه است که هیچ‌کس مجبور نیست به شرک نظری و عملی، رو آورد؛ بلکه زمینه عبادت خالصانه بدون شرک کاملاً فراهم آمده است:

﴿وَلَيَبْذِلَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ (نور: ۵۵)؛

و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند.

افزون بر آن، آزادی و امنیت آرمان‌شهر مهدوی، به تدریج چنان زبانزد خواهد شد که دیگران برای دریافت حقیقت، بدان رو خواهند آورد. براساس آیه شریفه قرآن، رئیس نخستین جامعه اسلامی، مأموریت می‌یابد تا زمینه‌های پناهندگی فرهنگی و علمی برای پژوهندگان

حقیقت فراهم سازد و امنیت آنان را چنان فراهم آورد که آنان بتوانند بدون احساس هیچ اجباری، دیدگاه حق را برگزینند:

﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه: ۶)؛

و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود) بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را به مأمن و منزلش برسان، زیرا که این مشرکان مردمی نادانند.

به نظر می‌رسد آزادی و امنیت آرمان شهر مهدوی، چنان می‌گسترده که مفاد این آیه، در آغاز تشکیل، تحقیقی چشمگیر خواهد یافت و آن حضرت در ابتدای ظهور خویش، خیمه‌هایی را بر پا ساخته و کتاب الهی را آن‌گونه که نازل شده است، به مشتاقان، خواهند آموخت. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام صَرَبَ فَسَاطِيطُ لِمَنْ يَعْلَمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أُنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳۸۶؛ حویزی، ۱۳۸۳: ج ۵، ۲۷).
وقتی قائم آل محمد، قیام نماید، برای کسانی که قرآن را همان‌گونه که خداوند، به مردم می‌آموزند، چادرهایی برپا می‌شود.

۱۰. آبادانی، رشد و استواری اعجاب برانگیز

در آرمان شهر مهدوی که شهروندان، خود را در برابر حفظ محیط زیست و طبیعت و حتی ساختمانی‌ها مسئول می‌بینند:

ثم ذكراهم مسئولون عن كل شيء حتى عن البقاع لم استوطنتم هذه وزهدتم في هذه ولم أخربتم هذه الدار وعمرتم هذه الدار وحتى عن البهائم لم ضربتموها لم أجمعتموها (ابن أبي الحديد، ۱۲۹۰ق: ج ۹، ۱۶۸).

در جهت فرمان خداوند مبنی آبادان ستزی زمین و جهان ﴿اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود: ۶۱) «و از شما خواست که در آن آبادانی کنید» تلاش می‌کند و از آلوده سازی آب و هوا دست برمی‌دارد و از ریخت و پاش و تضييع و اسراف خودداری می‌کند ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف: ۳۱) «و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» و از همه مواهب و معادن جهان استفاده می‌کند. جامعه‌ای آباد، مرفه و سراسر برخوردار از نعمت را برپا می‌سازد.

انسان به دلیل ساختار وجود ترکیبی «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان: ۲) «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم»، داشتن اختیار و قدرت انتخاب «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس» (انسان: ۳) نیز به خاطر ظرفیت گسترده علمی برتر از فرشتگان نه تنها از قابلیت رشد و تعالی پایان ناپذیری برخوردار است، بلکه به طور معمول همواره به رشد و تکامل خود، می‌اندیشد و برای آن تلاش می‌کند؛ بی‌نظیر و از رشد و توسعه و تکامل شگفت‌آوری که اعجاب همگان را بر می‌انگیزد:

﴿كَزَّبَ أَخْرَجَ شَطَاؤُهُ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح: ۲۹)؛

هم‌چون کشته‌ای است که جوانه برآورد و آن مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد.

بدین‌سان با تحقق جامعه آرمانی بشارت قرآن در برتری، عملی خواهد شد:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۹)؛

و غمگین مشوید که شما برترید اگر مؤمن باشید.

افزون بر آن، در قرآن کریم، امت واحد اسلامی به خاطر ویژگی‌های اجتماعی، بهترین و برترین امت، دانسته شده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)؛

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند.

راز دیگر این پویایی، پیرایش مداوم و اصلاح‌طلبی (هود: ۸۸) و بازگشت از خطا و آمرزش‌خواهی جامعه و مردم آن است که در صورت ابتلا به هر نوع بزه، بی‌درنگ با بهره‌گرفتن از بصیرت (قیامت: ۱۴-۱۵) درصدد رفع و نه توجیه آن، بر می‌آیند.

نتیجه‌گیری

در جوامع آرمانی، ویژگی‌هایی همانند عدالت‌ورزی، آزادی، بهبود و رفاه هرچه بیشتر، آرمانی مشترک، می‌نماید، ولی آرمان‌شهر مهدوی دارای ویژگی‌های بی‌بدیل و ممتازی است که آن را بر دیگر جوامع بشری، برتری داده است، این پژوهش با بازخوانی و استناد به آیات قرآن کریم، روایات نبوی و اهل بیت، آرای تفسیری و دیدگاه‌های اندیشمندان، مدلل ساخته است که

آرمان‌شهر بی‌بدیل مهدوی، دارای ده شاخصه ممتاز، به شرح زیر است:

۱. حتمیت تحقق آرمان‌شهر مهدوی؛ ۲. جهان‌گسترده‌گی و فراگیر بودن؛ ۳. ولایت مداوم انسان کامل؛ ۴. عدالت و حق‌مداری گسترده؛ ۵. اتحاد و همبستگی توحیدمدار مردمان؛ ۶. شکل‌گیری ارتباطات و مناسبات صحیح انسانی؛ ۷. بنیادگذاری سبک زندگی مردم بر آموزه‌های دین الهی؛ ۸. آزادی فردی، اجتماعی و معنوی؛ ۹. امنیت گسترده و دادن پناهندگی به حقیقت‌پژوهان؛ ۱۰. آبادانی، رشد و استواری اعجاب‌برانگیز. برخی از این ویژگی‌ها، به‌طور کلی، بی‌همانند هستند و برخی همانند عدالت و آزادی، گرچه در اسم، آرمانی مشترک، می‌نماید، ولی با دقت و ژرف‌نگری در کم و کیف آن، بی‌بدیل و ممتاز بودن آنها، آشکار می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵ق)، *الاشارات والتنبیها*، قم: نشر البلاغه، اول.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، *التعلیقات*، تحقیق: عبدالرحمن بدر، بیروت: مکتبه العلوم اسلامی، دوم.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۷۸م)، *الانصاف*، بی‌جا: وكالة المطبوعات، دوم.
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی‌تا)، *النجاه من الفرق فی البحر الضلالت*، ترجمه: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوم.
۶. اصیل، حجت‌الله (۱۳۷۱ش)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نشر نی، اول.
۷. آبراهام، نیکلاس؛ هیل برایان، استفان؛ ترنر، اس (۱۳۶۷ش)، *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن پویان، بی‌جا: انتشارات جهان بخش.
۸. آراسته خوی، محمد (۱۳۷۰ش)، *نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی*، بی‌جا: نشر گستره.
۹. برن، اریک (۱۳۹۵ش)، *بازی‌ها؛ روان‌شناسی روابط انسانی*، ترجمه: اسماعیل فصیح، تهران: ذهن‌آویز، بیست و سوم.
۱۰. برن، آگ؛ کوف، نیم (۱۳۵۶ش)، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه: امیرحسین آریان‌پور، بی‌جا:

- شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، دهم.
۱۱. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۷ش)، *منجد الطلاب*، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۲. بوازار، مارسل (۱۳۶۱ش)، *اسلام وجهان امروز*، ترجمه: د.م.ی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. بیرو، آلن (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: ساروخانی، بی‌جا: بی‌نا.
۱۴. تبریزی، محمد بن خلف (۱۳۶۱ش)، *برهان قاطع*، گردآورنده: محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۱۵. جر، خلیل (بی‌تا)، *دائرة المعارف لاروس*، ترجمه: طبیبیان، تهران: امیرکبیر.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۸۳ق)، *تفسیر نور الثقلین*، بیروت: مطبعة العلمية، اول.
۱۸. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم: بیدار، اول.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴ش)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول.
۲۰. روویون، فردریک (۱۳۸۵ش)، *آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه: عباس باقری، تهران: نشر نی، اول.
۲۱. زبیدی، سیدمرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶ش)، *تاریخ در ترازو*، تهران: امیرکبیر، یازدهم.
۲۳. صدر، سید محمد باقر (بی‌تا)، *خلافت انسان در روی زمین*، ترجمه: دکتر جمال موسوی، تهران: نشر نصر.
۲۴. صلیبا، جمیل (۱۳۷۰ش)، *واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی*، ترجمه: کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، بی‌جا: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، هشتم.
۲۷. طیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۰)، *مبادی و اصول جامعه‌شناسی*، دهم، بی‌جا: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.

۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰ش)، *حقوق و اقلیت‌ها*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پنجم.
۲۹. قاضی زاده، کاظم (۱۳۹۴ش)، *سیاست و حکومت در قرآن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش)، *اصول کافی*، ترجمه: هاشم رسولی، تهران: علمیه اسلامی.
۳۲. کنیگ، ساموئل (۱۳۴۹ش)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر، چهارم.
۳۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم.
۳۴. محمدی آشنانی، علی (۱۳۹۲ش)، *جامعه آرمانی*، قم: بوستان کتاب.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰ش)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن و سنت*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌المللی سازمان تبلیغات اسلامی، پنجم.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش)، *ولاء و ولایت‌ها*، قم: صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش)، *یادداشت‌های شهید مطهری*، قم: صدرا.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *جامعه و تاریخ*، قم: صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *حکمت‌ها و اندرزها*، بی‌جا: صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ش)، *آشنایی با قرآن*، قم: صدرا.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ش)، *فلسفه تاریخ*، قم: صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *انسان و ایمان*، تهران: صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *آشنایی با قرآن*، تهران: صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران: صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *انسان کامل*، قم: صدرا، چهلم.
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *پانزده گفتار*، تهران: صدرا، هفتم.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *علل گرایش به مادی‌گری*، قم: صدرا.
۴۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *وحی و نبوت*، تهران: صدرا، بیست و چهارم.

۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸ش)، *آزادی معنوی*، تهران: صدرا.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ش)، *هدف زندگی*، قم: صدرا.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۴۲۹ق)، *بیست گفتار*، تهران: صدرا.
۵۳. معلوف، لوئیس (۱۳۸۳ش)، *المنجد*، تهران: اسلام.
۵۴. معین، محمد (۱۳۷۱ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر، هشتم.
۵۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، بی‌جا: دارالمفید.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۷ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۷. ملکی‌فر، عقیل (۱۳۸۶ش)، *القبای آینده‌پژوهی، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا*، بی‌جا: کرانه علم، سوم.
۵۸. مودودی، ابوالاعلی (۱۳۷۵ش)، *تئوری سیاسی اسلام*، ترجمه: محمد مهدی حیدرپور، تهران: بعثت.
۵۹. نوری طبرسی، حسن (۱۴۰۷ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: انتشارات آل البيت علیه السلام.
۶۰. وثوقی، منصور (۱۳۷۷ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: دانشگاه پیام نور، دهم.
۶۱. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *اسرار آل محمد علیهم السلام*، قم: الهادی.

